



آیت‌الله حسین نوری



# اقتصاد اسلام

## مفاسد سیستم سرمایه‌داری

همواره می‌کوشد تا اینگونه ارزش‌ها را در جوامع انسانی نابود و بایمال کند، زیرا مناسب‌ترین محیط برای رشد و دوام و بقای اقتصاد سرمایه‌داری و سلطهٔ بیرحمانهٔ آن، محیطی است که در آن، هرگونه ارزش‌های انسانی و معنوی از بین رفته و بجای آن جامعه‌یسی ایجاد شده باشد که به عنوان یک "جامعهٔ مصرفی"، افراد آن تنها کالاهای مخصوصی را مصرف می‌کنند، اوقات خود را به عیش و نوش و عشرت ظلمی می‌گذرانند، بقاتش شهوترانی و فساد و فحشا دامن می‌زنند و هرروز بیش از پیش، در برابر سلطهٔ سرمایه‌داری، سز تسلیم خم می‌کنند.

یکی از بارزترین و قابل درک‌ترین نمونه این مساله، اوضاعی است که پیش‌از انقلاب اسلامی، برجامعهٔ خودمان حکمفرما بود.

از انواع این مفاسد، می‌پردازیم.

### شیوع فساد و فحشا

سومین مفاسد از انواع مفاسد سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی و غربی، شیوع فساد و فحشا در جوامعی است که تحت سلطهٔ این نوع از سرمایه‌داری به سر می‌برند. (۱)

وقتی از این دیدگاه به جست‌وجوی مفاسد موجود در اقتصاد سرمایه‌داری می‌پردازیم، نخستین نکتهٔ توجه انگیز، عبارت از این است که: اقتصاد سرمایه‌داری، از آنجاکه اصولاً براساس تفکر مادی و نفع پرستی‌بی‌ریزی شده است، هرگز به ارزش‌های انسانی و معنوی فکر نمی‌کند، و حتی از آن بالاتر،

در قسمت‌های پیشین این سلسله‌بحث‌ها گفتیم که سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی، در هر نقطهٔ جهان که سایهٔ شوم و سیاه خود را بگستراند، مفاسد و مظالم بیشماری را نیز به‌مراه خواهد آورد، زیرا که اساساً، ماهیت اینگونه سرمایه‌داری، در ذات خود با مفاسد و سیئات گوناگون عجیب و تسوام است، و طبعاً بدون این مفاسد، نمی‌تواند به حیات سراسر ظلم و بیداد و استعمار و استثمار خود ادامه دهد.

در گفتارهای قبلی، پیرامون دو مورد از این مفاسد - یعنی اختلاف طبقاتی (که در ذات خود آستان فسادهای دیگری نیز هست) و رواج ظلم و بیدادگری در سیستم سرمایه‌داری امپریالیستی - سخن گفتیم. اینک به‌بارگویی و بازنگری موارد دیگری

القائات و اهداف استعماری سازد. در این مرحله است که آخرین ضربه را وارد میسازد و به صراحت، افراد جوامع تحت سلطه را به آماده شدن برای پذیرش فساد و فحشا، فرا می خواند.

به عنوان یک نمونه زنده و مستند، که در پهنه مبارزات ملل مسلمان علیه استعمار، جنبه تاریخی پیدا کرده است، به مساله الجزایر هنگامی که زیر سلطه استعمار فرانسه بسر می برد، اشاره می کنیم.

در کتاب "سال پنجم انقلاب الجزایر" آمده است:

"اداره کنندگان دستگاه استعمار، این نظریه را ابراز می کنند: اگر بخواهیم به تار و بود جامعه مسلمان الجزایری هجوم ببریم و استعداد مقاومت او را مغلوب کنیم، باید بدو زنهارا تحت تسلط قرار دهیم. باید بروم و زن را در پشت چادری که خود را

بایمال کردن ارزش های انسانی و معنوی، زمینه را برای شیوع فساد و فحشا آماده می سازد. تا محیط برای دوام و بقای سلطه بهرحمانه نشی، هرچه مساعدتر گردد.

"فرانتس قانون"، نویسنده و متفکرو جامعه شناس آفریقایی - که از چهره های مشخص انقلاب الجزایر و مبارزات انقلابی علیه استعمار فرانسه بود - در کتاب "انقلاب آفریقا"، چنین تعبیری آورده است: "همان گونه که میکرب های گوناگون، برای رشد و بقای خود محتاج محیطی آلوده به کثافت و تعفن اند تا انواع بیماری های کشنده را اشاعه دهند. استعمار نیز محیطی آلوده و مناسب می خواهد تا میکرب های مخصوص خود را در آن تکثیر و ابقا کند و آنگاه خود، همچون بیماری کشنده ای در آن محیط راه نفوذ بیابد. میکرب های او چیزی جز سلطه اقتصادی اش، و محیط دلخواه او، جز

افت اسلامی ما هنوز بیاد دارد - و هرگز فراموش نمی کند - که در آن دوران سیاه، چگونه امپریالیسم جهان خوار، با تسلط ساختن سیستم سرمایه داری خود در کشور ما، همین توطئه شوم را تدارک دیده بود و میرفت تا با دستگیری ابادی داخلی و جیره خواران دست نشانده خود، تمام ابعاد توطئه را بیاده کند. در آن دوران تلاش می شد تا جامعه ایرانی، یکسره از معنویات و ارزش های انسانی، تهی شود در عوض از یک طرف، ماده حیاتی و پرارزش نفت خود را بدهد و بجای آن وسایل لوکس

## اقتصاد سرمایه داری، از آنجا که اصولاً بر اساس تفکر مادی و نفع پرستی بی ریزی شده است، هرگز به ارزش های انسانی و معنوی فکر نمی کند بلکه می گوید تا این ارزشها

### را در جوامع انسانی نابود کند

پروفسور سکاچو علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

درون آن می پوشاند جست و جو کنیم... در برنامه استعمارگر، این نقش تاریخی به عهده زن است که مرد الجزایری را به کارهایی وادار کند. مسخ کردن زنهارا، "تصرف" وی بوسیله ارزش های بیگانه و بریدن او از موقعیت خاصی که دارد، متضمن تحصیل تسلط واقعی بر مردان نیز می باشد و در همین حال، متضمن تحصیل وسایل عملی و مؤثری است برای خراب و نابود کردن فرهنگ الجزایری... هنوز امروز (در سال 1959) رویای رام کردن جامعه الجزایری به کمک "زنان بی حجاب که شریک جسم اشغالگراند"، از نظر رجال سیاسی استعمار

محیطی که از معنویت تهی شده باشد نیست. از این رو، بررسی ابعاد سیستم های اقتصاد سرمایه داری نشان می دهد که نفوذ آن به جوامع گوناگون، همواره توأم با آماده ساختن محیط برای انواع فساد و فحشا و اشاعه روز افزون آن بوده است. این سیستم نخست می کوشد تا با استفاده از امکانات گوناگون، عقاید افراد جامعه را متزلزل کند اعتقادات مذهبی اش را چیزی در ردیف خرافه و عقب افتادگی و ارتجاعی بودن جلوه گر سازد و سپس با استفاده از تسلط اقتصادی و حتی در دست داشتن سکان معاش طبقات محروم، آنها را وادار به قبول

و تجلی و غیر ضروری و محصولات مصرفی بی ثمر ساخته شده توسط امپریالیسم را وارد کند. از طرف دیگر، به مصرف دیوانه وار و بی حساب تولیدات و مصنوعات وارداتی بپردازد و در کنار آن، خود را با عیش و نوش و غرقه شدن در شهوات و فسادها چنان سرگرم کند که تمام عمر را در غفلت و بی خبری بگذراند و هر لحظه چنگال شوم استعمار و استثمار بیشتر از پیش حلقوم هستی اش را بغتارد.

### میکرب های سلطه سرمایه داری

بدینگونه، اقتصاد سرمایه داری، با

بهرین نرفته است...  
 ... یک اروپایی نیست که در منطقه "گار، یا کارگاه، یا اداره، در روابط سردی خود از رفیق الجزایری اش بارها نپرسیده باشد: آیا زن تو چادری است؟ چرا تصمیم نمی‌گیری مثل اروپایی‌ها زندگی کنی؟ چرا زنت راه سینما، مسابقات و کافه نمی‌بری؟" (۲)

## نخستین قدمها به سوی فحشاء

آنچه ذکر شد، تنها جنبه "مقدماتی" داشت: مقدمه‌یی برای آن که همه چیز در یک جامعه مسلمان آماده شود تا یکبار، با نیروی سلطه اقتصادی، آخرین ضربه بر مغز و روح مرد مسلمان زده شود و با تحت فشار قرار دادن او، مجبور سازند که به

مشخصات، به دفتر هیأت مدیره خوانده می‌شود و در آنجا از او دعوت (یا درحقیقت به او تکلیف) می‌شود که همراه "خانواده" خویش به جشن حاضر شود. به او گفته می‌شود که مو سه مانند یک خانواده بزرگ است و بنابراین خوش نما نخواهد بود که وی تنها و بدون همسرش در آن جشن حضور یابد (۱) آیا اینطور نیست؟ در برابر چنین اخطاری، مرد الجزایری گاهی با لحظه‌های سختی مواجه می‌شود. زیرا به اتفاق "زن" حضور یافتن در یک جشن عمومی اروپایی (که سراسر عیش و نوش و رقص و پایکوبی است) یعنی اقرار به مغلوب شدن. یعنی رها کردن یک روش مقاومت (که همانا استفاده از پوشش و حجاب برای زن است). از طرف دیگر تنها رفتن به جشن،

## در دوران تسلط سیاسی و اقتصادی آمریکا بر ایران،

سعی میشد که فسادها و بی‌عفتی‌ها با شدت هرچه افزون‌تر

گسترش و رواج یابد و ملت ما را از معنویت خود جدا سازد

یعنی امتناع از دستور گازفرما و بی‌اعتنائی به جلب رشایت او (که سگان معاش وی را در دست دارد) و در نتیجه بیگار شدن و گرسنه ماندن...

... بررسی کمیته‌های متعددی که اروپایی برای اقناع و مغلوب کردن مسرد الجزایری گسترده است (نشان میدهد که سلطه اقتصادی) او را دچار تناقض و انجام کاری عجیب و غریب می‌کند و او را می‌سازد که با بگوید "زن من چادر دارد و به چنین جشن‌هایی نمی‌آید" و در نتیجه بیگار شود، با اینکه تسلیم سلطه گازفرمای سرمایه دار و استعمارگر شود و بگوید: چون شما میل داشتید موافقت کردم! (۳)  
 بیان چنین نمونه‌هایی از آن جهت است

دست خود، همسرش را به سوی فحشاء سوق و خود نیز نخستین قدمها را همراه او بردارد.  
 باز در همان کتاب می‌خوانیم:

"گازفرمای اروپایی، صرفاً به پرسش و دعوت‌هایی به مناسبت خاص راضی نمی‌شوند. بلکه مانورهای خاصی را بگسار می‌برند تا مرد الجزایری را در گوشه بن‌بستی گیر بیندازند و از او اتخاذ تصمیم دردناکی را متوقع شوند. به مناسبت یک عید، مثلاً عید نوئل، یا ژانویه و یا صرفاً به مناسبت یک جشن اختصاصی مربوط به مو سه گازفرما، گازمند الجزایری را به اتفاق همسرش دعوت می‌کنند. البته دعوت عمومی نیست. بلکه هر الجزایری، با نام و

که بحث در باره مفاسد سرمایه‌داری، تنها به صورت مثنی ثنوری و بیانات ذهنی در نیاید، بلکه نمونه‌های عینی و واقعی آن نیز که در نقاط گوناگون دنیا رخ می‌دهد، ذکر گردد. و بخصوص نمونه آوردن از الجزایر از آن رو است که هم از یک جامعه اسلامی دیگر که سالها تحت سلطه بیگانه بود و این سلطه با قدرت سرمایه و نیروی سیستم خاص سرمایه‌داری تحکیم و تثبیت می‌گردید، شاهد زنده‌یی نقل شده باشد، و هم به این نکته اشاره شود که فرقی بین تسلط استعمار اروپا و آمریکا وجود ندارد. و گرنه نمونه‌های زنده‌تر و عینی‌تر این مسائل در ایران پیش از انقلاب، چندان زیاد بود که نیازی به ذکر شواهد دیگر نیست. فقط کافی است به یاد بیاوریم که در دوران تسلط سیاسی و اقتصادی آمریکا بر کشور خودمان، چگونه سعی می‌شد که همین بی‌عفتی‌ها و فسادها، با شدت هرچه افزون‌تر، گسترش و رواج یابد و ملت ما را از معنویت خود جدا سازد.

باید توجه داشت که یک اصل مسلم در اقتصاد سرمایه‌داری امپریالیستی، این است که برای هر فردی، حق اشباع ساختن حوائج حیوانی را روا میدارد، و حتی آن را به عنوان یکی از حقوق اولیه و بسیار لازم بشری می‌شمارد و در این راه، تبلیغات وسیعی نیز براه می‌اندازد. اعم از این که این اشباع حوائج از طریق قمار باشد یا شراب یا بی‌عفتی و یا لهو و لعب و سایر عشرت‌طلبی‌های غیر انسانی.

در پی همین منظور است که در جامعه تحت تسلط سرمایه‌داری، همه چیز با سکرو شهوت آمیخته است. چنان که حتی دیده می‌شود برای فروش کالاهای تولید شده در سیستم سرمایه‌داری نیز، همه جا از چاشنی

واردات و صادرات با محصولات خود و برای در چنگ گرفتن بازار فروش و مصرف، احتیاج به نیروهای دولتی و مقامات ذینفوذ دارند و از این رو، برای جلب رضایت و موافقت آنها با خواست‌های خود، اقدام به پرداخت رشوه‌های هنگفت می‌کنند.

از سوی دیگر، هرگاه ماموران دولست، برای اخذ مالیات‌ها یا رسیدگی به آمار و ارقام، و یا احتمالا رسیدگی به وضع کارگران و میزان حقوق و دستمزد و چگونگی بیمه‌های اجتماعی و مرخصی‌ها و تعطیلات‌شان، به کارخانه مراجعه می‌کنند، سرمایه‌داری برای آن که قوانین را به نفع خود پایمال کند و حقوق کارگران کارخانه و افراد جامعه‌اش را ضایع سازد، اقدام به پرداخت رشوه می‌کند و به این ترتیب ماموران دولت را با خود

سکس و شهوت و فساد استفاده می‌شود. به عنوان مثال برای فروش ماهون، اندام زنی برهنه را در تلویزیون و سینما یا در صفحات مطبوعات به نمایش می‌گذارند که با ماهون مورد نظر، خود را شست و شو می‌کند، یا برای تبلیغ فروش لیوان یک صحنه زشت شربوبخواری را نشان می‌دهند، یا برای فروش میل و صدلی، عده‌ی زن و مرد را در زشت‌ترین قیافه‌ها نشان می‌دهند که بر روی میل و صدلی نشسته‌اند و مشغول قمارند و نمونه‌های بسیار دیگر از این صحنه‌ها، همواره در چنان جامعه‌ی در حال اشاعه، محرمات و دامن زدن به آتش شهوت و هوسرانی است. و البته سیستم سرمایه‌داری، در این راه، از همه گونه وسایل و امکانات موجود، همچون سینما، تلویزیون، مطبوعات مستهجن، کاباره‌ها و کافه‌ها، صحنه‌های رقص موسیقی عفتی و نظایر آن نیز استفاده می‌کند. در نتیجه جامعه را به سوی استخدام غرایز جنسی در خدمت همه چیز و همه‌کار، و با مال سقوط کامل اخلاقی سوق می‌دهد.

در چنان جامعه‌ی، مفسادی چون احتکار ربا خواری، کم‌فروشی و رقابت‌های نامعقول بخصوص در میان زنهایی که با تبلیغات وسیع، خصوصیت افزون طلبی در آنها تقویت شده و حتی حاضرند برای دست یافتن به امیال خود به شوهر و خانواده‌شان نیز خیانت کنند، از عادی‌ترین و رایج‌ترین مفساد ممکن است.

همچنین، یکی از پدیده‌های سیستم سرمایه‌داری وجود و شیوع رشوه‌خواری است اساس و مبنای این پدیده نیز، در روحیه، زیاده طلبی و نفع پرستی سرمایه‌داران نهفته است. زیرا سرمایه‌داران صاحب‌کار-خانه یا بازرگان، برای انحصاری کردن

بیماران و دولت‌های با اصطلاح عقب افتاده انجام می‌دهند، از نظر عواطف انسانی و اخلاقی نیست. بلکه این نیز بخاطر حفظ منافع است. زیرا از آن بیم دارند که بر اثر فقر و محرومیت، افراد جامعه تحت تاثیر تبلیغات کمونیستی و غیره قرار گیرند و از این راه، خطری برای اقتصاد سرمایه داری به وجود بیاید.

ناگفته پیداست دین مقدس اسلام که ارزشهای معنوی و انسانی را در صدر برنامه زندگی انسانها قرار میدهد و اساسا برای اینکه بشر را در سایه، پیمودن راه پیمایان بزرگ خدا و رهبران راستین و تربیت و تهذیب به اوج کمالات انسانی برساند و آنها را به انسانهای واقعی تبدیل کند رسالت عظیمی را بعهده گرفته است هرگز

**آنچه در اقتصاد سرمایه داری شایع است، فساد و فحشا و سقوط اخلاق است. و آنچه سعی میشود بکلی از بین برود، ارزش های انسانی و معنوی جامعه است.**

اجازه نمی‌دهد که مسائل اقتصادی مانند مسائل دیگر زندگی با فساد و فحشا ارتباط پیدا کند و با آن سیستم اقتصادی که فساد و فحشا یکی از مظاهر و آثار آن است مخالفت و مبارزه آشتی ناپذیری دارد.

**ادامه دارد**

- ۱- لازم به توضیح است که اگر در این بحث‌ها، مفساد سرمایه‌داری غربی را بر-می‌شماریم، دلیل برجسته بوشی از سیئات اقتصادی مارکسیستی شرق نیست. چنان‌که در ادامه، این گفتارها، و نیز در اثنای همین بحث‌ها، هر جا لازم باشد، از مفساد اقتصاد مارکسیستی نیز سخن خواهیم گفت.
- ۲- سال پنجم انقلاب الجزایر، از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۳۹-۳۷
- ۳- سال پنجم انقلاب الجزایر، از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۰-۴۱

موافق و همراه می‌سازد. بدینگونه نه تنها رشوه‌خواری در جامعه شیوع پیدا می‌کند، بلکه حق کثی و پایمال کردن حقوق زحمتکشان و محرومان جامعه نیز امری رایج و عادی می‌شود.

بدینگونه آنچه در اقتصاد سرمایه داری شایع است فساد و فحشا و سقوط اخلاق است و آنچه سعی می‌شود بکلی از بین برود، ارزش‌های انسانی و معنوی جامعه است. زیرا سرمایه‌داری، جز منافع صاحبان سرمایه، هدف و منظور دیگری ندارد. حتی اگر گاهی دیده می‌شود که عوامل اقتصاد سرمایه‌داری و طرفداران آنها و بخصوص دولت‌های استعمارگر گامهایی برای کمک به مجروحین، سیل‌زدگان و زلزله‌زدگان، ضعفا